



آسیب دیده‌ی شنوایی

نقش آموزش والدین در یادگیری زبان کودکان ناشنوا

نویسنده: ناهید فرزندی

عضو گروه تألیف آموزش والدین و آمادگی ویژه کودکان ناشنوا

برنامه‌ریزی برای دوره آموزش قبل از دبستان کودکان استثنایی، گستره وسیعی را از بدو تولد تا سن ورود به مدرسه و حتی سال‌های اولیه مدرسه که دوران گذر از خانه به مدرسه است در برمی‌گیرد، هر چند این دوران از بدو تولد تا دو و چهار سالگی از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای

همه کودکان در رشد از یک الگو، مدل و تربیت عمومی پیروی می‌کنند اما کیفیت رشد و تکامل هر کودک با کودک دیگر متفاوت است.

برخوردار است، زیرا مراقبت از رشد و تکامل اولیه کودک که لحظه شروع آن از تولد آغاز می‌گردد و امروزه مورد توجه همه جوامع قرار گرفته است، اهمیت دادن به خردسالان گویی اهمیت دادن به پایه و اساس یک جامعه است و در واقع نگاه برنامه‌ریزان به خردسالان گویای این

است که چه نظری نسبت به جامعه فردا دارند. توجه به تغذیه، بهداشت، مراقبت از سلامتی کودکان، ایمن ساختن کودکان نسبت به آسیب‌ها و خطرات و بیماری‌ها، در واقع تأمین نیازهای اصلی کودک برای رشد است اما باید این نکته را در نظر داشت که تأمین این نیازها به تنهایی کافی نیست زیرا فقط جسم کودک نیست که بزرگ می‌شود بلکه کودک علاوه بر رشد فیزیکی، تکامل نیز پیدا می‌کند، رشد افزایش قد و وزن است اما تکامل فرآیند بروز تغییرات در کودک است. همه کودکان در رشد از یک الگو، مدل و تربیت عمومی پیروی می‌کنند اما

امروزه ثابت شده است که رشد و تحول جسمانی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی، زبانی و ... با یادگیری مرتبط هستند.

کیفیت رشد و تکامل هر کودک با کودک دیگر متفاوت است، چون زمینه‌های محیطی و فرهنگی کودکان با یکدیگر تفاوت دارد. بنابراین علاوه بر تأمین نیازهای اصلی هر کودک که همان تغذیه، بهداشت و سلامتی است که بیشتر به رشد جسمانی کودک کمک می‌کند، باید به رشد از ابعاد دیگر نیز توجه کرد، یعنی توجه به رشد





را به دست می‌آورند، مانند راه رفتن و هماهنگ کردن حرکات، حرف زدن و مهارت‌های پیچیده زبان، مهارت‌های اصلی فکر کردن توانایی ارتباط افکار با زبان و عملکردها، مهارت تسلط به خود و اعتماد به نفس - پرورش حس کنجکاوی و ...

بنابراین باید به دنبال راه‌کارهایی بود که بتوان برنامه‌هایی را که از ابعاد مختلف به کودک می‌پردازد به صورت ادغام یافته و هماهنگ تدارک دید که به همه ابعاد رشد کودک توجه داشته باشد.

تدوین این برنامه‌ها خصوصاً نقطه شروع مناسبی را برای کار کردن والدین با کودکانی که دارای مشکل هستند ایجاد می‌نماید. زیرا بیشترین امکانات را والدین برای هدایت انرژی کودک در مسیر نیازهای فردی او در اختیار دارند و با تأکید بر تکامل همه جانبه و جامع کودک می‌توانند دارای بیشترین تأثیر در رفع اشکالات یادگیری باشند و دخالت در سنین پایین‌تر موقعیتی برای والدین است که با درک نقش خود برای تکامل توانایی کودکان به او کمک کنند و در اینجا است که اهمیت نقش والدین در رشد و تکامل کودک روشن می‌گردد و ضرورت آموزش آنان مطرح می‌شود.

فقدان توانایی در استفاده از حس شنوایی می‌تواند اثراتی پایدار در سازمان شنوایی کودک از خود به جای نهد.

والدین باید از مراحل مختلف رشد و تکامل کودک آگاه و پاسخ مناسب برای هر یک از مراحل را آماده داشته باشند. اگر والدین بتوانند اعمال کودک خود را به درستی درک کرده و به آن پاسخ بدهند، کودک با اطمینان مراحل رشد و تکامل را طی خواهد کرد.

نکته بسیار قابل تأمل در مورد مراقبت از رشد و تکامل

شناختی، عاطفی، اجتماعی، زبانی و هم چنین نسبت به تأمین سایر نیازهای کودک مانند نیاز به یادگیری، نیاز به عواطف، نیاز به امنیت، نیاز به تقلید و ... نیز اقدام نمود تا کودک بتواند به تکامل ذهنی، روانی و اجتماعی دست یابد. امروزه ثابت شده است که رشد و تحول جسمانی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی، زبانی و ... با یادگیری مرتبط هستند و یادگیری نیز از لحظه تولد آغاز می‌گردد. متخصصین علوم تربیتی بر اهمیت دو سال اول زندگی تأکید بیشتری می‌نمایند زیرا در طی این دو سال ساختارهای بسیار مهمی در کودک متحول می‌شوند که بر توانایی یادگیری او اثر می‌گذارند و اگر مغز کودک خوب رشد کند توانایی یادگیری او افزایش پیدا می‌کند.

دانشمندان کشف کرده‌اند که تکامل واقعی مغز بعد از تولد شروع می‌شود و در سالهای اولیه زندگی، زمانی که تجربیات به مغز شکل می‌دهند پایه‌های یادگیری نیز گذارده می‌شود.

وقتی چرخ یادگیری شروع به چرخش کرد، اگر محیط یاسخگو و مساعد ولی بدون اجبار باشد، زمینه‌های تحریک کننده و جالب محیطی می‌توانند کودک خردسال را در مسیر اکتشاف و توانایی پیوند دادن اطلاعاتی که دریافت کرده است قرار دهند. کسب این تجربیات توسط کودک باعث عکس العمل او نسبت به دنیای خارج می‌شود. این تجارب حسی بر مغز کودک اثر گذاشته و مغزی فعال به وجود می‌آورد. مجموعه تجربیات کسب شده توسط کودک می‌تواند موجب ایجاد مغزی قوی شود و به این ترتیب فرآیند یادگیری صورت پذیرفته و در نهایت باعث رشد و تکامل کودک در جوه مختلف حسی، عاطفی، اجتماعی، زبانی و ... گردد. به عنوان مثال کوشش کودک برای در دست گرفتن شیئی به سادگی به مغز او کمک می‌کند که هم آهنگ کردن چشم و دست را به خوبی یاد بگیرد. کودکان در سال‌های اولیه زندگی مهارت‌های بنیادی





اولیه کودکان این است که همه کودکان با سلامت کامل متولد نمی‌گردند. بعضی از کودکان قبل یا بعد از تولد دچار آسیب دیدگی‌های خاصی می‌گردند که ممکن است این آسیب دیدگی در کسب بعضی از مهارت‌های بنیادی توسط کودک اختلال ایجاد نماید و برای این دسته از کودکان علاوه بر تأمین نیازهای مراحل مختلف رشد، تأمین نیازهای ویژه دیگری را نیز ایجاب نماید. به عنوان مثال کودکان مبتلا به آسیب دیدگی‌های شنوایی از جمله این کودکان هستند.

در مقایسه با یک کودک مبتلا به آسیب دیدگی شنوایی، یک کودک عادی از زمانی که متولد می‌گردد توسط یک محیط پر از زبان بیانی احاطه می‌گردد و بتدریج از طریق شنیدن و در طی مراحل مختلف رشد زبان را به طور طبیعی فرا می‌گیرد. اما کودک ناشنوا از همان اوایل کودکی فرصت‌های طلایی یادگیری زبان به طور طبیعی و تدریجی را از دست می‌دهد و از یادگیری زبان به عنوان مهم‌ترین ابزار ارتباطی بین انسان‌ها محروم می‌ماند، و باید توجه داشت که جبران این ضایعه بزرگ در سال‌های آتی زندگی هرگز به طور کامل امکان‌پذیر نیست.

عدم یادگیری زبان عواقب و پیامدهای متعدد و عمیقی را برای کودک دربر دارد و فقدان توانایی در استفاده از حس شنوایی می‌تواند اثراتی پایدار در سازمان شناختی کودک از خود به جای نهد و همین امر باعث تفاوت یافتگی عمیق کودکان مبتلا به آسیب‌های شنیداری و کودکان عادی گردد و بطور قطع همه این مسائل و مشکلات پیامدهای روانی، عاطفی، اجتماعی، شخصیتی و ... خاصی را برای افراد مبتلا به آسیب دیدگی‌های شنوایی دربردارد. برای پیشگیری از بروز مشکلات آتی در زندگی کودکان مبتلا به آسیب شنوایی، تدوین برنامه‌ای مناسب که به تأمین همه نیازهای این دسته از کودکان توجه داشته باشد ضروری می‌نماید. خصوصاً تدوین برنامه‌ای که محور اصلی آن نیز

تأکید بر یادگیری زبان با استفاده از روش طبیعی توسط این کودکان در طی مراحل مختلف رشد باشد. برای اجرای موفق چنین برنامه‌ای، آموزش آن به والدین نیز باید در اولویت برنامه‌ریزی‌های آموزشی قرار داده شود.

والدین با به کارگیری این راهکارها ضمن فراهم آوردن محیطی مساعد، پاسخگو، پر ارتباط، و پر هیجان و پر تمرکز علاوه بر تمرکز و تقویت کلیه مواضع کودک موجب کسب تجربه‌های منسی فراوان برای کودک می‌گردند.

سازمان آموزش و پرورش استثنایی، اخیراً و در یک اقدام مهم با تلاش‌های وافر کلیه دست اندرکاران برنامه‌ریزی و آموزش کودکان مبتلا به آسیب شنوایی توانسته است به این مهم نائل آید. در اولین گام برنامه‌ای کامل، ادغام یافته و هماهنگ با توجه به همه ابعاد رشد کودک که با رویکرد یادگیری زبان به روش طبیعی تدوین شده است. این برنامه به منظور آموزش به والدین کودکان ناشنوا و در قالب دو جلد کتاب آموزش والدین (۱) و (۲) و هم چنین هشت جلد کتاب کار کودک در پایه آمادگی تألیف شده است.

برنامه کتاب آموزش والدین (۱) ویژه کودکان ناشنوا از بدو تولد تا دو سال است. در این کتاب به منظور آشنایی هر چه بیشتر والدین با مراحل مختلف رشد و تحول و نیازهای کودک در هر مرحله، رشد از ابعاد مختلف خصوصاً از بعد شناختی، زبانی و جسمانی مورد بررسی قرار گرفته است. برای پاسخگویی به این نیازها در مباحث فعالیت‌های خانگی مربوط به هر مرحله از رشد راهکارهای کاربردی به منظور کسب مهارت توسط والدین برای زندگی با کودک ناشنوا ارائه شده است.

والدین با به کارگیری این راهکارها ضمن فراهم آوردن





داشته باشد، همانطور که یک کودک ناشنوا شانس شنیدن زبان را دارد و مهارت‌های زیادی بدین منظور باید توسط والدین او به کار گرفته شود. به طور کلی نقش والدین این است که فرآیند یادگیری را که کودک طی می‌کند درک کرده و همراه با آن عمل کنند و نه بر خلاف آن و این مهم با به کارگیری راهکارهای کتاب آموزش والدین برای آنان مقدور می‌گردد.

در کتاب آموزش والدین (۲)، شیوه آموزش برنامه‌ها و راهکارها به والدین جنبه عملی و عینی به خود می‌گیرد و مانند کتاب قبل صرفاً به شکل تئوری نیست. به منظور اجرای محتوای این کتاب به مطلوب‌ترین شکل ممکن مراکز آموزش پیش دبستان ناشنوايان به عنوان مرکز شادی پذیرای حضور مادر به همراه کودک دو تا چهار سال می‌گردد. فضای این مراکز به گونه‌ای شادمانه و سرشار از نشاط طراحی می‌گردد و ملو از اسباب بازی‌ها و وسایل مورد علاقه کودکان است. هدف اصلی در این مراکز مهارت‌آموزی به والدین برای برقراری تعامل با کودک تحت نظارت مستقیم مربی است. به عبارت دیگر

در طی مراحل مختلف رشد بتدریج قابلیت‌های کودک افزایش پیدا می‌کند و او قادر خواهد شد آن چه را که می‌شنود علاوه بر عمل در بیان خود نیز به کار گیرد.

مادر نحوه صحیح زندگی با کودک را در این محیط عملاً تجربه می‌نماید. کودک نیز به علت علاقه و وابستگی شدید به والدین خود در این دوره توانایی بیشتری برای یادگیری و پذیرفتن دانسته‌های جدید از خود نشان می‌دهد. او بتدریج و توأم با یادگیری مهارت‌های دیگر یاد می‌گیرد که حرکات لب‌های مادر و مربی دارای ارزش نگاه کردن است و می‌آموزد که معانی کلمات و سمبل‌ها را

محیطی مساعد، پاسخگو، پربارتباط، و پرهیجان و پرتحرک علاوه بر تحریک و تفویض کلیه حواس کودک

نقش والدین این است که فرآیند یادگیری را که کودک طی می‌کند درک کرده و همراه با آن عمل کنند.

موجب کسب تجربه‌های حسی فراوان برای کودک می‌گردند. ضمن آنکه در همه فعالیت‌ها، تأکید اصلی بر زبان‌آموزی به کودک به شیوه طبیعی گفتگوی مستمر و مداوم با اوست و انجام این فعالیت‌ها باعث کسب تجربیات، تکامل مغز کودک و افزایش یادگیری توسط اوست.

مادر می‌تواند از طریق کارهای روزمره منزل مانند نظافت، شستشو، آشپزی و ... که فعالیت‌های تکراری هستند برای آشنا کردن کودک با وسایل مختلف و ایجاد حس محیط و تکرار طبیعی زبان بهره‌گیر و رویدادهای مختلف منزل می‌تواند تبدیل به فعالیت‌های اکتشافی و لحظاتی برای بازی و کشف چیزهای جدید توأم با یادگیری زبان به طور طبیعی شوند. لوازم یادگیری در همه جا وجود دارد و نیازی به اسباب‌بازی‌های پیچیده نیست، حتی عمل جستجو و کشف خود کودک از وجود خود هم مهم‌ترین مبنای یادگیری است.

برای یادگیری زبان توسط کودک فعالیت‌ها و بازی‌های بسیار دیگری نیز برای تعامل با او در برنامه پیش‌بینی شده است و در حین انجام این فعالیت‌ها و بازی‌ها باید به طور مداوم با کودک صحبت شود زیرا او نه فقط با دیدن، بلکه با گوش دادن، لمس کردن، احساس نمودن، چشیدن و حتی بویدن یاد می‌گیرد و یک کودک ناشنوا برای یادگیری زبان باید از همه حواسش کمک بگیرد و از آنجا که فهم کلمات مقدم بر گفتار است، برای آنکه او گفتار خوان خوبی تربیت شود باید شانس دیدن زبان را



با حرکات لب‌های آنان ارتباط دهد و بدین ترتیب زمینه‌های فراگیری زبان به روش طبیعی برای او بیش از پیش فراهم می‌گردد. هدف اصلی از تدوین محتوای این کتاب، ضمن توجه به پرورش حواس مختلف کودک، توانایی درک و فهم زبان توسط او از طریق گفتارخوانی است و این شناخت قبل از شروع به گفتار برای کودک ناشنوا لازم و ضروری است و درست همانند کودک عادی که قبل از به کار بردن زبان در بدو امر، معانی کلمات و عبارات را خوب می‌فهمد و بسیاری از چیزهایی را که می‌شنود در عمل به کار می‌گیرد؛ قبل از آنکه بتواند آنها را در بیان خود به کار گیرد.

در طی مراحل مختلف رشد بتدریج قابلیت‌های کودک افزایش پیدا می‌کند و او قادر خواهد شد آن چه را که می‌شنود علاوه بر عمل در بیان خود نیز به کار گیرد و در این مرحله کودکان ناشنوا ۴ تا ۶ ساله آماده‌اند تا به طور مستقل و بدون همراهی مادر در پایه‌های آمادگی مراکز ناشنویان حضور یابند و بتدریج علاوه بر کسب مهارت‌های لازم، برگفتار و زبان نیز تسلط یابند. با تدوین هشت جلد کتاب کار کودک برای پایه آمادگی ناشنویان، قصد آن است که با همکاری و هماهنگی والدین و مربی در منزل و مرکز پیش دبستانی با انجام بازی‌ها و فعالیت‌های مختلف، کودک همه حواس خود را در جهت یادگیری زبان به کارگیرد و تلاش شود گفتار کودک نیز همانند کودکان عادی هم‌سال خود از ریتیم، سرعت، اوج صوتی و روانی مناسب برخوردار بوده و برای همگان قابل درک باشد. امروزه آموزش موفقیت‌آمیز کودکان در طی سال‌های مدرسه بستگی زیاد به پایه‌ای دارد که در سال‌های قبل از مدرسه گذارده شده است و اجرای برنامه آموزش والدین و استفاده از برنامه‌های آموزشی غنی در خانواده و مرکز پیش دبستانی ناشنویان می‌تواند نتایج شگفتی را برای کودک، خانواده و اجتماع در پی داشته باشد. کودکان



پیش دبستانی

پیش دبستانی



ناشنوا در دامن خانواده برای رشد بدنی و فکری و کسب توانایی‌های اجتماعی برای بقا و رشد و نمو در سال‌های آتی خود نیازمند پشتیبانی و مراقبت توسط والدین آموزش دیده هستند و آموزش زبان به روش طبیعی در مرکز پیش دبستانی و در منزل می‌تواند منجر به معجزه‌ای شود و کودک ناشنوا را از بن بست ناتوانی در سخن گویی نجات داده و توانایی برقراری ارتباط کلامی با سایرین را به راحتی به وی ارزانی دارد.

